

قطعه‌نامه پارلمان اروپا

ساله . تائیک جدید . !! سازمان معاہدین خلق و نوای طی مقاومت سعی کرد تا با کمک یک لرد انگلیسی و ۲۰۰ نفر از نمایندگان پارلمان اروپا کارزار بزرگ تبلیغاتی برای انداده و در افکار عمومی جنین جلوه رهد که اگر " ارتض آزادیخواست " نتوانست با حمایت ارتش عراق شعار محوری سازمان معاہدین خلق یعنی " رجوی ایران ، ایران رجوی " را با سرنگونی زیم خمینی متعدد سازد ، اما سازمان معاہدین خلق و آقای رجوی و شرکا" با لطف و عنایت ... در صحنه سیاست بین - اطلس آنقدر نفوذ و لعتبر پیدا کرده اند که می توانند با حمایت و کمک سیاسی ستداران کشورهای بیگانه بعنوان نماینده ملت ایران و جانشین جمهوری اسلامی شناخته شوند ، جنانکه چند صباخری بیشتر طول نخواهد کشید که سرنگونی زیم از طریق دیگر حامل خواهد شد . اما آنانکه با تاریخ سیاسی ایران آشناشی دارند ، میدانند که این شیوه " دیبلماتیک " آقایان رجوی - منین دفتری سیاست نازه ای نیست . در صحنه سیاسی میهن ما افراد زیادی از ایرانیان تا کمون عليه منافع ملی و حاکیت ملت مط کرده اند که نام آنها تحت عنوان روسوفیل ، آنکوفیل و سنتون پنجم آلمان نازی در تاریخ به ثبت رسیده است . بیچاره آن هناصریکه بخاطر مقام و جاه با توسل به هر خس و خاشش کوشش می نمایند نام خود را در صفحات این بخش از تاریخ ثبت گشند !!

در دفاع از حق حاکیت ملت ایران ، بخششای مختلف اهوزیسیون از سلطنت طلب گرفته تا حب و ریخواه از حله سازمان ما کارزار تبلیغاتی بزرگ را علیه این نصمم نمایندگان پارلمان اروپا برپا کردند.* بطوریکه هیئت رئیسه پارلمان اروپا خود را مسیو دید که رسم اعلام دارد که آنها فقط عملکرد غیر انسان جمهوری اسلامی

* - بیانیه و اعلامیه های سازمان در صفحات ۱۰ و ۱۱ همین شریه به چاپ رسیده است.

در رابطه با پایمال شدن حقوق بشر در ایران را محکوم کرده اند و بهیحوده در رابطه با حق حاکمیت ملت ایران اظهار نظر ننموده اند . بررسیت شناختن شورای ملی مقاومت و مسعود رجوی بعنوان نماینده ملت ایران نظر شخصی ۳۰۰ نفر نماینده پارلمان از همها بوده است که از سوی این مردمی همچوکنیه اعتبار و سند پذیری دارد [۱]

اعتراض گروه های مختلف سیاسی ایران ، اکرجه جدا از هم و حتی بدون مشورت با یکدیگر انجام گرفته بود ، ولی چون همکن این جریانات یک هدف مشترک را دنبال کردند ، این حرکت توانست با خود بار مثبت را بهره را انته باند که در خور تعسین و احترام است . امید است در آینده بخشای مختلف اپوزیسیون در رابطه با سایر مسائل حسروی جامعه نیز چنین عمل کنند و ضافع ملی ایران را به ضافع گروهی و سازمانی خود ترجیح دهند .

* هیئت تحریریه نشریه جنبش سوسیالیستی *

سخنی درباره همزیستی دنیروهای متخاصم ، مناظره سیاسی و ائتلاف

در حدود یکماه بعد از صدور قطعنامه پارلمان از ها ، متن فارسی دو نامه اعتراضی خطاب به این مرفع انتشار خارجی چهدا کرد . یکی از این نامه ها علاوه بر اینها عده ای از اعضاء سازمان حمبهوی خواهان ملی ایران ، اینها تعدادی از اعضاء نهضت مقاومت ملی ایران (جمهوری خواه ، سلطنت طلب) و عناصر دیگری که به سلطنت طلب معروف می باشند از جمله آقایان دکتر احمد قریشی (رئیس دفتر رضا پهلوی) ، راریوش همایون (شوریون سابق حزب رستاخیز و زنگنه سابق شاه) و صور اسرافیل و ... را در برداشت . * (سند شماره ۱) نامه دوم علاوه بر اینها سه نفر از اعضاء رهبری سازمان حمبهوی خواهان ملی ایران ،

* - بخاطر اینکه خواننده بهتر در جریان این بحث قرار گیرد ، ما به چاپ تمام نامه ها و اعلامیه هاییکه در این باره انتشار چهدا کرده است بعنوان اسناد مدارک مس وزیریم . (صفحات ۲۲ تا ۳۲)

اما عده ای از رهبری حزب دمکراتیک مردم ایران ، سازمان فدائیان خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران را شامل می شد . (سند شماره ۲) انتشار خارجی متن این دو نامه با خود عکس العمل های متفاوتی رادر بین ایرانیان بهمراه داشت ، عده ای درگفتگوها و بحث های خود این اتحاد عمل را مثبت انباش کرده و سخن کمپوند آنها را اما " آقایان رضا پهلوی ، رکتر بختیار ، رکتر امینی ، رکتر بنیصدر و خاوری رهبر حزب توده می دانستند ، و امیدوار بودند که در آینده این کمپوند جبران شود . اما عده ای دیگر گرچه اما " مشترک اما " جمهوریخواهان ملی ایران با عده ای از سلطنت طلبان همچون آقای راریوش همایون را خیانتی بزرگ تلقن می کردند ، لیکن به لعلایه مشترک دوم جمهوریخواهان لغتراضی نداشتند . در این میان آنچه برای ما مهم است و آنرا در جلسه ای که با دولتان جمهوریخواهان ملی ایران داشتم نیز طرح نمودیم این است که :

۱ - هدف از اتحاد عمل و اما " مشترک با عناصر وابسته به طیف های سیاسی متضاد چه بوده است ؟

- اصولا چنین عطس چه رابطه ای با " پلورالیسم سیاسی " ، " تفاهم ملی " راره ؟ آیا " تفاهم ملی " و " آتشتو ملی " هر دو یک بار سیاسی برابر دارند ؟ - چه چیزی باغت شد که عناصر اما " کنند ، دو لعلایه منبور حاضر نشوند مشترکا زیر یک لعلایه مشترک را اما " کنند و دو لعلایه جدا از هم به نکارش در آمدند است ؟

- آیا بوداشت جمهوریخواهان ملی ایران از " حاکمیت ملت ایران " همچون بوداشت سلطنت طلبان و یا بوداشت حزب دمکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت - کنترل) و حزب دمکرات کردستان ایران می باشد ؟ و اگر چنین نیست ، چرا در این رابطه شخص لعلایه های مشترک صادر شده است ؟

- چرا در متن لعلایه ایکه مشترکا با سلطنت طلبان اما " شده است صحبت از " حاکمیت ملت ایران " در میان است ، در حالیکه در متن نامه ایکه مشترکا با این سازمانهای منتبه به چیزی به اما " رسیده است بـ " حق سلم ایرانیان و نیروهای سیاسی " . اشاره می شود ؟ آیا " حاکمیت ملت " بارسیاسی برابری با " حق سلم ایرانیان و نیروهای سیاسی " راره ؟

- آیا چنین عطس باغت مفتوش شدن مرزهای سیاسی بین طیف های مختلف سیاسی ایران نمی کردد ؟

روستان جمهوریخواهان ملس ایران در بحث هائی که با ما داشتند اعلام نمودند که مسئله "امها" مشترک برای عده ای از اعضاء سازمان آنها نیز سوالاتی را برانگیخته است، که در این مورد بین اعضاء این سازمان بحث و تبادل نظر ادامه دارد. گفتو و بحث در این مورد می تواند در روشن کردن چگونگی سیاست اتحاد عمل و روابط بین نیروهای سیاسی وابسته به طیف های مختلف نظری کمک نماید.

در مخالفت با عذرکرد جمهوریخواهان ملس ایران اعلامیه ای با امها پاره نفر از عناصر سیاسی خارج از کشور منتشر شد. (سند شماره ۲) پس از انتشار اعلامیه فوق عده ای از افرادی که اسامی شان در زیر اعلامیه ذکر شده بود بطور شفاهی و یا کتبی به تدبیب امها خود مبارکت و تبریک نمودند (اسناد شماره ۴، ۵، ۶) از آنها که مطالب مندرج در این اعلامیه بیان یکی از طرز تفکرات موجود در بین نیروهای سیاسی ایران در مورد روابط این نیروهای سیاسی با یکدیگر می باشد، بحث و تبادل نظر در رابطه با محتوی آن می تواند بخاطر دقیق تر کردن مواضع دمکراتیک و مرتضیاندی طیف های سیاسی با یکدیگر مفید باشد.

در رابطه با این اعلامیه (سند شماره ۲) سوالات زیر مطرح است:

- ۱ - آیا استفاده از واژه ها و الفاظی که در تحریر اعلامیه فوق بکار برده شده است، می تواند کمک در جهت جلوگیری از مغوش شدن مرزهای سیاسی بنماید؟
- ۲ - چرا نگارندگان این اعلامیه بحای انتقاد به موضع ۳۰۰ نفر از نمایندگان پارلمان ارها منی برزیز یا گذاشتن حق حاکمیت ملت ایران تها به این دلیل که این موضعکری باعث باز شدن مشت جمهوریخواهان می گردد ظهار خوشحال نموده اند. آیا از چنین برخوردی این نتیجه را نمیتوان گرفت که برای بعضی از ایرانیان ازین رفتار سازمانهای دمکرات اهمیت بیشتری از حق حاکمیت ملت ایران دارد؟
- ۳ - چرا امها مشترک عده ای از جمهوریخواهان ملس ایران با بعضی از سلطنت طلبان از جمله یکی از رهبران سابق حزب رستاخیز و وزیر شاه بعد از گذشت ره سال از دوران آرامهری با توجه به این امر که فرد مذبور در نوشتار و تکفار خود مدعی است از بعضی سیاستها و نظرات گذشته خود فاصله گرفته است، باید خیانت تلقی شود. ولی امها مشترک همین جمهوریخواهان ملس آنهم با ذکر سنت های سازمانی شان با عناصر دیگری از جمله افرادی که در سالهای اول انقلاب از زمرة رهبران حزب توده و سازمان جریکهای فدائی خلق - اکثریت بوده اند و بعنوان متعددین

خط امام در فجایع و جنایاتی که در آن مقطع تاریخی از سوی سران
جمهوری اسلامی و حزب الله در وطن ما ایران رخ دارد، نقش
بزرگی ایها کرده اند هیچ انسکال و ایسرا دی با خود بهمراه
نداشتند است؟

۱ - اگر باید این حق را برای اعضاء رهبری سابق حزب توده و سازمان
جریکهای فدائی - اکتربت قائل شد که از گذشته خود فاصله کشید، چرا
نایاب چنین حقیقی را برای افراد وابسته به طیف سلطنت طلب قائل شد؟
نکند این حق فقط شامل افراد وابسته و منتبه به طیف چپ می
باشد؟ اگر چنین نیست باید توضیح داد که چرا فقط نویسنده‌گان علامه
نسبت به امضا آقای داریوش همایون و سایر سلطنت طلبان حساسیت نشان
دارد اند؟

بطور حتم باید قبول کرد که با سیاست یک بام و روهو و جارو جنجال نمی
توان بهم آوردن مکراسی و آزادی در ایران شد. اما مسئله ای که مهم است
و در مبارزات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی حتی باید مورد توجه نیروهای
طرفدار دمکراسی و آزادی قرار گیرد، این است که در جامعه ما ایران همچون
سایر جوامع طبقاتی، احزاب و گروه‌های سیاسی اهداف و خواست
های متفاوت و در بعضی از موارد حتی کاملاً متفاوت را دنبال می-
کند. تحقق دمکراسی و آزادی در ایران همچون سایر جوامعی که دمکراسی
بر آنها حاکم است، ایجاد می‌کند که احزاب و گروه‌ها گذشته از زندگی
صلح آمیز در کار یکدیگر، بتوانند به وقایت و مبارزه نظری با هم
بپردازند. بدین منظور حضور و وجود احزاب، سازمانها و تشکل‌های مستقل
سیاسی که در جامعه رای نفوذ و پایه توده ای باشند، لازم است.
ناکون هیئت‌های حاکمه ظالم و مستبد ایران سعی بر این داشته اند تا کوچکترین
اجاره فعالیت به جریانات سیاسی دکر اندیش را ندهند و بازدگیری دشمن و عنار
با چنین جریاناتی به صاف برخاسته اند.

متسفانه، اکنون که در خارج از کشور امکان اظهار نظر و فعالیت آزاد برای تمام نیرو
های سیاسی موجود می‌باشد، بندرت بحث و برخورد نظری بین آنهاست که
از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک مخالف یکدیگر می‌باشند صورت می‌گیرد. هنوز
بخش بزرگی از نیروهای سیاسی ایران صرفظیر از وابستگی‌شان به طیف چپ و یا
راست، بحث و ناظره با نیروهای غیر خودی را جزو کشاوهان کیمیه

محسوب می شایند . زیرا چنین نیروهایی هنوز تفاوت میان مناظر سیاسی و اتحاد علی و یا اختلاف وحدت را درک ننموده اند . و با این صفت توجه ندارند که بحث و مناظره سیاسی بین عناصر وابسته به طیف های مختلف سیاسی می تواند وسیله ای در جهت روشن کردن مواضع سیاسی موجود و برخسته کردن نیکات مورد اختلاف باشد ، که این خود در تحلیل نهائی یک نوع روشنگری و مبارزه است . در حالیکه اتحاد عصی ، اختلاف و یا وحدت بیانگر فصل مشترک بین نیروهای سیاسی می باشد .

در رابطه با برداشتی ای غلط از صائل سیاسی و کبود های معرفتی است که بخش از عناصر وابسته به طیف چپ تحت عنوان پرچم داری و حراست از " دمکراسی انقلابی " کوشش دارند تا با شیوه تفتیش عقاید و بیان کردن بلوا در خارج از کشور از اظهار نظر و فعالیت سیاسی نیروهای مخالف حل وکیلی نمایند . روشن است که از چنین افراد نا زمانیکه به مهم بودن اصل همزیستی نیروهای سیاسی مخالف و متفاصل نظری در جامعه بی نبرده اند ، نمی توان انتظار داشت که به قبول اصل مناظره و بحث با نیروهای مخالف بعنوان یک نوع شیوه مبارزه تن در دهد . اما بخش دیگری از نیروهای سیاسی صرف نظر از هدفی که تعقیب می کنند به تبلیغ شعار " همه با هم " می پردازند و توجه ندارند که با تبلیغ این نظریه به مفتوش کردن مژهای سیاسی بین جریانات مختلف سیاسی را منع نمی زند . اراده چنین شیوه کاری سرانجام در خدمت این امر قرار خواهد گرفت که جریانات سیاسی وابسته به طیف های مختلف نتوانند مستلا شکل گیرند . این طرز تفکر ، اگر چه تظاهر به قبول حق دگر اندیشه و جامعه پلورالیستی می شاید ، اما نمی تواند در تحقق دمکراسی در ایران سودمند باشد ، زیرا همانطور که قلا اشاره رفت تحقق دمکراسی در ایران به حضور وجود احزاب ، سازمانها و تشکل های مستقل سیاسی که در جامعه دارای نفوذ و تأثیر توده ای می باشند ، احتیاج دارد . این امر در مرحله کنونی جنبش مستلزم این می باشد که جریانات سیاسی بهای دفاع از شعار " همه با هم " و نگه بر وحدت کلمه ، بخشن از فعالیتهای خود را در جهت روشنتر کردن مواضع سیاسی و تدوین برنامه های راهنمایی تشکل سیاسی خود نموده و در رابطه با آن در جهت هماهنگ کردن و سمت و سو را در نیروهای سیاسی طیف نظری خود کوشش نمایند . از این نظر قبل از آنکه جریانات نظری متفاوت و متضاد سیاسی

ایران، رشد و پا میگ طبیعی خود را طی نکرده اند، هرگونه درهم آمیزی صوری آنها در اصل به خود خود تبدیل خواهد شد.

ما بر این باوریم که نیروهای سیاسی که به اصول زیر لفظی دارند، منتوانند در بهترین حالت بصورت یک ائتلاف جبهه ای، با هم به همکاری وسیع دست پازند. این اصول عبارتند از:

- قبول دمکراسی و آزادی به خاطر تحقق یک جامعه پلورالیستی.
- قبول جمهوری پارلمانی و حکومت قانونی.
- قبول حق حاکمیت ملی.
- دفاع از استقلال و عدم وابستگی.
- دفاع از تعاملات ارضی ایران و حل مسئله ملی.
- قبول جدائی دین از دولت.
- دفاع از دولت رفاه اجتماعی.

* * * *

علاوه بر اسناد مذکور در این نوشته، لعلیه ای نیز از سوی آقای منوچهر صالحی در رابطه با علکرد جمهوریخواهان ملی منتشر شده است که ما آنرا نیز در اینجا به چاپ می‌رسانیم (سند شماره ۲). به ایند اینکه با تکمیل اظهار نظر تمام کشید که بنحوی با ماجراهای پارلمان ارها درگیر شدند، کمکی به شیوع و برخورد آراء و عقاید بنشانیم تا این راه هر چه بیشتر در جهت حل ابهامات و ناروشنی های عناصر و نیروهای سیاسی در رابطه با همزیست اجتماعی کرده باشیم. اسناد چاپ شده بخوبی نشان دهنده این واقعیت است که تا شیوع این آکاهی در میان نیروهای ایونیسیون و تا ائتلاف و همکاری واقعی میان اینسان راه درازی در پیش است.

هیئت تحریریه نشریه جنبش سوسیالیستی

جای خوشحالی است که اکثریت مهمی از نمایندگان پارلمان اروپا قطعنامه‌ای را امضاء کرده اند که در آن «رژیم قرون وسطانی و تروریست تهران محاکوم شده است این پاسخ مناسبی است به فریاد اعتراض میلیونها ایرانی که سالهاست در زیر ستم یک «دیکتاتوری مذهبی» بصر می‌برند که هیچ گونه تنوع عقاید و آراء سیاسی را نمی‌پذیرد و کمترین ارزش برای حقوق بشر قابل تبیض است.

اما جای تأسف است که نمایندگان محترم پارلمان اروپا بدون توجه به افکار عمومی مردم ایران خود را به جای ملت ایران قرار داده و پیشنهاد کرده اند که نمایندگی این ملت به «شورای ملی مقاومت» مستقر در بغداد به ریاست مسعود رجوی سپرده بشود.

مبارزه کنونی مردم ایران با رژیم تهران، مبارزه با ارتیاج مذهبی و بینش توتالیتی سیاسی برای رسیدن به نظامی است که در آن حقوق بشر و پلورالیسم سیاسی تضمین شده باشد. «الترباتیوی» که نمایندگان پارلمان اروپا برای رژیم تهران پیشنهاد می‌کنند نمی‌تواند این ارمنان‌های آزادی خواهان را تأمین کند. زیرا ایدئولوژی متربت بر آن بیش از آن فرقه گرایانه است که بتواند گوناگوش سیاسی نیروهای مخالف با نظام خمینی را در برگیرد. ۳۰۰ نماینده‌ای که این قطعنامه را امضاء کرده اند من بایست توجه داشته باشند که افشا کردن رژیم خمینی و جنایات آن بر هد پیشریت، گرچه اقدامی درست و درخور ستایش است، اماً تضمیم گیری بدون توجه به تنوع آراء و عقاید سیاسی مردم ایران و تراشیدن جانشینی برای رژیم اسلامی که از حمایت عمومی مردم ایران برخوردار نیست، دور از شان یک مرجع سیاسی بین‌المللی و اقدام ناشیانه ای است که هیچ گونه کمکی به استقرار صلح و آرامش در منطقه و آزادی و دمکراسی در ایران نخواهد کرد.

ما امضاء کنندگان این نامه، با بینش‌های سیاسی گوناگون، معتبره داریم که اگر پارلمان اروپا باواقع خواستار رعایت حق حاکمیت ملت هاست، بهتر است با برانگیختن افکار عمومی جهانیان به نفع مبارزه ملت ایران، با این ملت هم صدا شود تا مردم ایران بتوانند سرنوشت خویش را با مشارکت همه‌ی نیروهای سیاسی در شرایطی دمکراتیک تعیین کنند.

محمدعلی امیرموزی، غلام رضا الفقیری، محمد ارسلان، رحیم اشه، مهشید امیرشاهی، مهران برانتی، هانی بالایان، فیروز باقرزاده، فخردادش پور، علی ده بنه ای، رضا دانشور، پرویز مستالهی، رامین جهانبکلار، حسن جوانی، فریون جوانی، بیژن افتخاری، سیروس فرمانفرمانیان، حسین فرجی نیا، امیر حسین کجع بشش، علی کوش، ظاری فخر، فرشی احمد، بیژن حکمت، هرم حکمت، ظفار حسینی‌داریوش همایین، حسین کاظمی، اسلام کاظمی، رامین کامران، یاپک خندانی، فریون خلدون، شهریار صحجوی، حسین مهری، احمد میرداماد، حسین ملک، سعید میرهادی، سیامک مصطفوی، محمد مشیری، ویدا ناصحی، حسن نزیه، پرویز تقیی، یاپک پرهام، لیرج پزشک زاد، حسن پیروز، امیر پیشدار، بیژن صفاری، حمید صدر، پیروز صور اسرافیل، منصور سحرخیز، حسن شریعت مداری، میاس شیرازی، علی شاکری، داریوش شایگان، یکانه شایگان، پیوین شیبانی، احمد طهماسبی، سعید تمدنی، هوشنگ وزیری، شاهرخ وزیری، رازمیک یقنتزیان

نمایندگان محترم مجلس اروپا

توجه و حساسیت شما نسبت به نقض حقوق بشر در ایران و موضع شما علیه سرکوب و کشtar مردم ایران در خورستایش و قدردانی است. صدور بیانیه ای به امضاء ۳۰۰ نفر از نمایندگان مجلس استراسبروگ که دولت های اروپا را به اتخاذ موضع قاطع و اعمال فشار نسبت به رژیم خمینی - که تجسم تروریسم دولتی و بین المللی و کنه پرستی در جهان معاصر است - فرامی خواند، پاسخی مساعد به مطالبات بر حق مردم ایران و سازمان های سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی است.

اماً متأسفانه امضاء کنندگان این بیانیه، با پیشنهاد "شورای ملی مقاومت" به عنوان نیروی جانبین رژیم خمینی و "نماینده مردم ایران"، نیار خطایی جدی شده اند که در شان و صلاحیت مجلس اروپا نیست.

امضاء کنندگان بیانیه مسلمان اطلاع دارند که اپوزیسیون ایران در برگیرنده طیف بسیار وسیعی از نیروهای متفاوت سیاسی است و "شورای ملی مقاومت" که فقط نمای بیرونی سازمان مجاهدین خلق است، نیرویی غیر دموکراتیک به شمار می رود و نماینده اقلیت کوچکی بیش نیست.

ما توجه نمایندگان مجلس اروپا را به این نکته جلب می کنیم که تعیین نماینده مردم ایران، چه در داخل و چه در خارج از کشور، حق مسلم ایرانیان و نیروهای سیاسی آن هاست. بنابراین ما امضاء کنندگان این نامه با دیدگاه های مختلف سیاسی، از مجلس اروپا می خواهیم که در نتیجه نشست خود این بیانیه را مورد تجدید قرار دهد.

فریدون آذر نور - بابک امیر خسروی - بیژن حکمت - ناصر رحیم خانی - حسن شریعتمداری - هبیت الله غفاری - علی محمد فرخنده چهرمی (کشتگر) - عبدالله قادری - عبدالرحمن قاسملو - حسن نزیه.

توضیح درباره ی وابستگی سازمانی امضاء کنندگان :

لند شماره

- فریدون آذر نور (عضو هیئت اجرائی حزب نمکاریک مردم ایران)
- بابک امیر خسروی (عضو هیئت اجرائی حزب نمکاریک مردم ایران)
- بیژن حکمت (عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران)
- ناصر رحیم خانی (عضو هیئت سیاسی سازمان غداییان خلق ایران)
- حسن شریعتمداری (عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران)
- هبیت الله غفاری (عضو هیئت سیاسی سازمان غداییان خلق ایران)
- علی محمد فرخنده چهرمی - کشتگر - (عضو هیئت سیاسی سازمان غداییان خلق ایران)
- عبدالله قادری (عضو کمیته مرکزی و مستول حزب نمکرات کریستان ایران بر اروپا)
- عبدالرحمن قاسملو (نیپر کل حزب نمکرات کریستان ایران بر اروپا)
- حسن نزیه (عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران)

السند شماره ۵

اطلاعیه

در این سند مقصوده مبارلمان اروپا مبنی بر اینکه رژیم خمینی از سازمان ملل اخراج و کرس نمایندگی ایران به نمایندگان سازمان معاهدین خلق و اگذار گردد، پته بخشی از ایویزیون ایران که مدعی جمهوریخواهی و آزادمنشی و ملی گرانی است، تجزیه راهنمای بروی آب افتاد و حضرات ارمابیت واقعی خوش بوده بودند.

ماجرای این قرار است که سازمان موسم به "جمهوریخواهان ملی ایران" بتنکار بخرج داده و از یکسو برای سازمانهای گوناگون ایویزیون نامه برآورده نموده و از آنها خواسته است در مبارلمان اروپا است بافاده از مشترک زنند. در این زمینه توانسته است اعلامیه مشترکی را با حرب دمکرات کردستان حرب دمکراتیک مردم ایران و سازمان فدائیان خلق (کشتگر) بطور مشترک ببرون دهد و ارسوی دیگر متن دیگری را که دارای همان مضمون است، با مقاصد افراد متعددی که آگاهانه دست چشم شده اند، رسانده و با من ترتیب در دوسوبه اقدام فعال نموده است. از یکسو عده ای از گروهها را که بهتر ترتیب جزئی از طرف ایویزیون چپ را تشکیل میدهند، بدوز خود جمع کرده و ارسوی دیگر مقصوده مبارلمان اروپا را بهانه نزدیکی خوبیش به طیف سلطنت طلبان شناخته شده ساخته است. آنجا حرکت به چپ و اینجا حرکت به راست. باین ترتیب "جمهوریخواهان ملی ایران" کوشیده اند تا زمینه را برای حرکت مشترک کلیه ملیه های ایویزیون رژیم خمینی فراهم آورند.

با این داد و آور شدگه ایویزیون رژیم خمینی از دو جریان کاملاً متفاوت تشکیل شده است. یک طبق رانسر و هاشمی تشکیل میدهند که خود به رژیم گذشته تعلق داشت و از آنکه انقلاب موجب سرنگوتی رژیم دلخواه آنها شد، با آن ضدیت داشته و با رژیم خمینی مخالفت میورزند. برای آنها انقلاب مردم ایران هنوز "فتحه" خمینی است. طبق دیگر راکسانی تشکیل میدهند که طبق رژیم گذشته سالهای سال مبارزه کرده و بهمین دلیل نیز با همه عتوا خود در پیروزی انقلاب مردم ایران شرکت داشته اند. سلطنت طلسی همچون آنکه داریوش همایون با رژیم خمینی مخالف است و در ایویزیون این رژیم قرار دارد، زیرا که میخواهد رژیم شاهی سار دیگر ایران حاکم شود و باسط گذشته از تو برقرار گردد. ماباین دلیل با رژیم خمینی مخالفیم، زیرا که رژیم خمینی انقلاب را از مسیر متفرق آن خارج ساخت و جنبش انقلابی مردم را باشکست موافق ساخت. مادر برای این روزیم خمینی قرار داریم زیرا که میخواهیم انقلاب را به پیش ببریم و حال آنکه نیروها ای سلطنت طلب میخواهند انقلاب را به گذشته بازگردانند.

سازمان این نقطه نظر مانع نیتوان این تفاوت شکرگفت کیفی را نادیده گرفت و مدعی شدگه هر کسی که با رژیم خمینی مخالف است و خود را ایویزیون این رژیم میداند، لاجرم میتوانند با یکدیگر در یک حرکت مشترک قرار گیرند. آنها شیکه این صفوی را بهم میزینند، اگر ریکی در کفشاون نیست، پس نا آگاهانه جنیش خدا استبدادی مردم را به کمراه میکشند.

سهرحال با بدگفت که مایه خوشحالی است که "مصطفوی مبارلمان اروپا" موجب شدت ای خوشحالی از ایویزیون به اصطلاح جمهوریخواه و ملی گرا و آزادیخواه نقاب از چهره واقعی خوبیش برداشتن دهد که برای رها شدن از جنگ ای رژیم خمینی حاضر به جه ساخت و پا خانه اش است؟ این نیز وها گویا هنور در نیافته اند که ماقربانی دو رژیم شاه و خمینی هستیم و در حالی که آقایان سلطنت طلب حد اکثر قربانی اعمال مدد مردمی خوبیش می‌سند که موجبات خشم انقلابی مردم ایران گردید.

تعجب ما ار آن سازمانها و کسانی است که این همه را میدانند و با اینحال فریب "نایزی سیاسی" بعضی از گروهها را که میخواهند مصادفانقلاب گذشته و نیروهای انقلابی و متفرقی و آینده گرای حامیه مارا باهم سووند زنند، خورده و با چنین اعلامیه هاشمی را اینها کرده اند. افکار عمومی مردم ایران انتظار دارده در این زمانه به آنها توضیح داده شود.

محمود راسخ افشار - مهدی خاچای تهرانی - فرهاد سعیار - منوچهر مالحقی - ملی اکبر اکبری - احمد طاهری - رضا چرند آسی - منصور بیاتزاده - حسن ماسالی - اردشیر هوشی - حسن منتظر حقیقی -

سند شماره ۴

اطلاعات

آخر اطلاعیه ای با اینها عده ای منعنه اینها اینجانب در رابطه با سازمان جمهوری خواهان ملى ایران نسبت به اعلامیه های منتظر این سازمان با عناصر و برخس از سازمانهای اپوزیسیون ضد ولایت فقیه در محکوم کردن پارلمان اروها انتشار پیدا کرده است . صرفظیر از ارزش یابی علماکرده جمهوری خواهان ملى ایران در این ساره ، با اطلاع افکار عمومی مردمان که اینها اینجانب در زیر اطلاعیه مذکور بندون توافق قلبی من بوده است که بدینوسیله آنرا تکذیب می گم .

منصور بیات زاده

۱۳۶۸ ماء نیزہ

سند شماره ۵

اطلاعیه بی در خرداد ۱۳۶۸ به امضا عده بی ار فعالین سیاسی در خارج از کشور توزیع گردید که نام اینجا انتیر حر، امضا کنندگان آن ذکر نده بود.

ضروری میدام سرای رفع سوتفاهات نکات ریر را تحریح کنم:

۱- از آنچه عده بی از دوستان سارمان "جمهوریخواهان ملی ایران" تا برخی از هوا داران رژیم مستبد سلطنتی و عمال ظلمه رژیم سابق سطیر آقای داریوش همایون اطلاعیه مشترکی را امضا کرده بودند، موجب تعجب ما شد. منتهی از طریق دوست ارجمند ما آقای سوجهر صالحی تهیه گردید و از جمله برای من ارسال شده امضا کنم و افراد دیگر از نیز تشویق به اینکار کنم. موافقت خودم را با اطلاعیه مربور که با ممتازت سیاسی، به عمل دوستان "جمهوریخواهان ملی ایران" نقد و اعتراض شده بود، اعلام کردم. هرور حتی آن اطلاعیه را امضا نکرده بودم که در فرآیند مطلع شدم اطلاعیه دیگری در آلمان توزیع شده است که اسم مرا نیز جز امضا کنندگان بحاب رسانده است. به اینوسیله اعلام می کنم که اینجا این اصطلاحات سیاسی متدرج در آن اطلاعیه موافق نیست و از اینکه بدون اطلاع من، امضا مراجعاً پرساند در شکفت بودم. بسیار از ارتباط با آقای صالحی، معلوم شد که در اثر مشوش بودن ارتباطات، دوست مختلف توزیع شده بودند واسم من اشتباه در آن اطلاعیه بجا رسانده است.

۲- ولی ضروری می داشم در اینجا ناکنید کنم که ما می توانیم گفت و شنود دوستانه بی با عنصر دمکراتی که صفا "ابده" مشروطه خواهی "دارند و از سابقه" سیاسی آنها اطلاع داریم، داشته باشیم، ولی نمی توانیم با کسانی که نقش فعالی در فساد، غارت و استقرار رژیم استبدادی داشته اند در مغوف واحدی قرار بگیریم. این عنصر آن و نالهی که درباره استبداد دینی سرمی دهنده، دلیل برآزاداندیشی و آزادمنشی آنها نیست، بلکه از اینکه "فرمات های طلائی گذشته" را ارددت داده اند، ناراحتند.

با درودهای مبارزه حوبانه - حسن ماسالی

الله شهادت

اطلاع

بس ارائه‌های ارقام این که بعض از عناصر وابسته به سازمان جمهوریخواهان ملی ایران در رابطه با مصوبه «پارلمان اروپا» مودودند، برای نگارنده آشکارشده که عده‌ای قصد دارند تحت لوای "آتش ملی" رمینه را برای اشلاف نیروهایش که سبب به رژیم خصیصی در اپوزیسیون قرار دارند، فراموش سازند و در این رابطه میخواهند بسوی بازماندگان رژیم شکست خورده ستمشاھی بگردانند و با این مناصر رسوای سالهای سال مردم ایران را بر ساده ترین حقوق اجتماعی خویش محروم ساختند، دست به همکاریهای سیاسی زند. از آنجاکه یکچنین حرکتی برای اپوزیسیون ملی و هوادار رحمت‌کشان ایران، حرکتی مرگبار است، برای افشاء ماهیت این عناصر وابسته بدولتهاي بیگانه، تصمیم گرفته باشد، دیگری از کسانیکه سالهای سال همچون اینجانت علیه رژیم ستمشاھی پهلوی و رژیم خونخوار خصیصی مساره کرده‌اند، تماش گیرم تا شاید بتوان در یکچنین شرایطی که بر هر چه سکوت سیاسی همه جا را فراگرفته است، در مقابل این حرکت راستگرایانه و خاتنانه عکس العلی معقول نشان داد. پس از گفتگوهای اولیه قرارش نگارنده متنه را تهیه و در اختیار این افراد قراردهم تا بتوان به جمع آوری امضا پرداخت. اینجانب در پای آن اعلامیه «اولیه اسامی عده‌ای را نگاشتم که باتهیه و مضمون طرح تهیه شده توافق نداشتند و در عین حال امضا کسانی را نیز قید کردم که نتوانسته بودند به آنها دست رسی بیایم و لیکن بخاطر سالهای مبارزه سیاسی مشترک، برایم بقیئن بودند که این افراد نیز یا یکچنین حرکتی توافق خواهند داشت. نگارنده این طرح را برای عده‌ای از این افراد و از آنجلمه آقای دکتر منصور بیاتزاده پست کردم و برایشان قید نمودم که نگارنده بخاطر سالهای مبارزه مشترک بخودا جازه داده‌ام امضا اشان را زیرا این طرح قید کنم و با اینحال اگر با متن موافق نیستند، میتوانند اطلاع دهنند تا امضاشان از روی اعلامیه برداشته شود، زیرا که طرح مذبور دارای جنبه طرح اولیه است و در آن همه‌گونه اصلاح و تکمیلی میتواند صورت پذیرد.

بعض از چند روز ساختمند که این طرح اولیه گویا در شهر کلن تکثیر و پخش شده است. با یادیاد آور شوم که اینجانب کس را جز علی اکبر اکبری در شهر کلن نمیشناسیم و با اینکه امضا ایشان را در زیر طرح اولیه قید کرده بودم، ما قرار بود دوست دیگری با ایشان تماش بگیرد و از ایشان تائید امضا را دریافت دارد. بهمن دلیل تابا مذبور برایم روش نشده است که این طرح چگونه شهر کلن رسیده و به چه محوری در آنها تکثیر و انعکاس خارجی یافته است.

اما علی شدن بی موقع طرح مذبور سبب شد تا عده‌ای با انتشار تکذیب نامه به نحوی خود را زاین مهم جدا سازند و جالب آنکه افرادیکه اینجانب با آنها سالهای سال دارای ارتباط سیاسی بودند با آنکه تکذیب نامه خویش را بانده فاکس به تعامل دنیا مخابره کردند، حاضر نشدن دستخواهی از آنرا برای نگارنده ارسال دارند و با اینجانب خبر دهنده علنا به تکذیب امضا خویش پرداخته‌اند. عده‌ای هم پس از آنکه بانگارنده تماش گرفتند و از قضايا مطلع شدند، دست به تکذیب امضا خویش زدند که نگارنده بانفس عمل آنها مخالفت نمیتواند داشته باشد، زیرا که امضا این افراد زیر طرح اولیه بدون اطلاع قبلي آنها قید شده بود. عده‌ای نیز از اینکه طرح اولیه با این ترتیب مرموز علی گردید، دیگر حاضر نشند رسرا طرح اصلاح و تکمیل شده را امضا کنند. اینگریه این افراد نیز برایم روش نیست و سه‌ماشیان یک احتمال داد و آن اینکه در شرایط افول جنیش چی گویا بسیاری از افرادیکه سال ها علیه رژیم حناستکار سهلوی مبارزه کرده‌اند، حاضرند با باقیماندگان این رژیم تبه کاریتومی کنار آند و با مطلع حسنه شهر وندان را در برآورد هفتماندگان جمهوری اسلامی تقویت نمایند. این افراد ساید در سراساری دست را فکار عصومی مردم ایران پا سخنگوی اعمال و رفتار خویش باشند.

اطلاعات اطلاعات سند شماره ۷

در راسته ماموئیه پارلمان اروپا می‌براینکه رژیم خصیص ارزارمان ملل اخراج و کرس سایندگی ایران به سازمان مجاهدین حلق و اندار گزد بخش از ابوریسون ایران بدام کاسی افتاده در هایت می‌خواهد پای عداقلاب نکت خورده رایه میان مخالف ابوریسون مترقب بازگشند.

ماهه ای را بن فرار است که سازمان مهورخواهان ملی ایران استواره خرج داده و اریکسو برای سازمانها گوناگون ابوریسون نامه هر آنکس سوده وار آنها می‌خواهندکه دربرابر پارلمان اروپا به اقدام شترک دست زند و در این زمینه توانست اطلاعه انتشرک رایه میان مخالف ایکنکریمن ایکنکریمن خوبی همان مضمون است، به اینکه مردم ایران و سازمان ندای ایران خلق ایکنکریمن بیکری راکه دارای همان مضمون است، افرادی که آنکه دستگیری شده اند، رسانیده و با این ترتیب در دو سویه فعالیه اقدام سوده است، اریکسو عنده ای از گروه هماراکه هم ترتیب جزو از طیف ابوریسون جب راشکل میدهن، دور خود مجمع کرده و از سوی دیگر صوبه، پارلمان اروپا رایه های نزدیکی خوبی به طیف سلطنت ظلیمان شاهه خده ساخته است، آنچه حرکت به چپ و اینجا حرکت به راست، با این ترتیب مهورخواهان ملی ایران کوشیده اند تاریخه رایه های هر کس شترک کلیه، لایه های ابوریسون رژیم خصیص فراهم آورده و مود نوش ملتفه، ارشادی رایه دوش گرفته اند.

ساید یاد آور شد که ابوریسون رژیم خصیص از دو مردمان کامله متفاوت تشکیل شده است، یک طیف اسپریوهاش تشکیل میدهن که خود به رژیم گذشته تعلق داشت و از آنها اثکا انتقال موج سریکوس رژیم دلخواه آنها شدیا آن مدت داشت و مارژیم خصیص مخالفت میورزند، برای آنها انتقال مردم ایران همور "قت" خیین است، طیف دیگر راکس تشکیل میدهن که علیه رژیم گذشته سالهای سال مادره کرده و بهمین دلیل سیزیمه، توان خود در بیرونی انتقال مردم ایران شرکت داشته اند، سلطنت طلبی همچون آقای داریوش هایان مارژیم خصیص مخالف است و در ابوریسون این رژیم قرار دارد، برای راکه می‌خواهد رژیم شاهی سار دیگر ایران حاکم شود و سطح گذشته از سوی رفرار ایکه رژیم خصیص مخالفه میورزند، همچنان راکه رژیم انتقال را از سریکور می‌گیرد، هایان دلیل مارژیم خصیص مخالفه میورزند، همچنان قرار دارد، همچنان راکه رژیم اسپریه می‌گیرد.

خواهیم انتقال را بیش سریم و حال آنکه سریوهای سلطنت طلب می‌خواهد انتقال رایه گذشته بازگردانند.

سازمان از نقطه سطرا میتوان این تفاوت شکر کیفی را نادیده گرفت و مدعی شد هر کس که مارژیم خصیص مخالف است و خود را ابوریسون این رژیم میداند، اجرم میتواند با یکدیگر دریک حرکت شترک قرار گیرند، آنها نیکه این معرف را بهم میورزند، آنکه وبا خود آگاه، همیش مذاستبدادی مردم را نه کنمراه می‌شانند، این سریوهای هموزن میتوانند که ما فربانیم دو رژیم شاه و خصیص هستم و درحالی که آقایان سلطنت طلب حد اکثر فربانی اعمال شد مردم خوبی می‌شانندکه موجات خشم انتقالی مردم ایران تردید.

تعجب مادر آن سازمانها و کلیس است که این همه را میدانند و با احوال فربت "ناری سایس" شخص ارهاصر راکه می‌خواهد عداقلاب گذشته و سرمه های انتقالی و مترقب و آینده گزای جامعه عبارایا هم بیوندزند، همورده و پای جمیں اعلامیه هایش را ایضا کرده اند، افکار عمومی مردم ایران ایثاردارد که در این رسمه به آنها توضیح داده سود.

موجه های اخیر

منبع: چتبش سوسیالیستی - نشریه سازمان سوسیالیستهای ایران - شماره ۱۹ - سال ۱۲۶۸ (۱۹۸۹)
تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران در روز چمعه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۹ آپریل ۲۰۱۱